

فرهنگ، رسانه و فضای مجازی / ۹

فلسفه فضای مجازی

الیف

دکتر سید علی حسینی

استاد گروه ارتباطات و مطالعات آمریکایی دانشگاه تهران



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۶

سرشناسه: عاملی، سیدسعیدرضا، ۱۳۴۰-
عنوان و نام پدیدآور: فلسفه فضای مجازی / تألیف سیدسعیدرضا عاملی.

مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۵۴ ص.: مصور، جدول، نمودار.

فروست: فرهنگ، رسانه و فضای مجازی؛ ۹.

شابک: 978-964-00-1906-1

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۳۳-۲۴۹.

یادداشت: نمایه.

موضوع: فضای مجازی.

موضوع: فضای مجازی -- فلسفه.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ف ۸ ع ۲ / HM ۸۵۱

رده‌بندی دیویی: ۳۰۳/۴۸۳۳

شماره کتابت سی مل: ۴۶۸۴۲

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۹۰۶-۱



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱۹۱

فلسفه فضای مجازی

© حق چاپ: ۱۳۹۶، مؤسسه انتشارات امیرکبیر

نوبت چاپ: اول

مؤلف: دکتر سیدسعیدرضا عاملی

طراح جلد: پریسا رسولی

حروف متن: میترا ۱۴

چاپ و صحافی: چاپ ایمان، تلفن: ۸۴۰۲۴۲۴

شمارگان: ۵۰۰

بها: ۲۷۰۰۰۰ ریال

تلفن مرکز فروش: ۰۲۱-۶۱۲۸

فروش اینترنتی: www.amirkabir.net

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به‌جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست رئوس مطالب

۷	فهرست تفصیلی مطالب
۱۱	فهرست شکل‌ها
۱۳	فهرست جدول‌ها
۱۵	قدردانی
۱۷	مقدمه: فضای مجازی از دیدگاه هستی‌شناختی، فلفی و معرفت‌شناختی
۲۹	فصل اول: تگاهی بنیادی به مبانی فلسفی فناوری فضای مجازی
۶۱	فصل دوم: عناصر پایه‌ای فلسفه فضای مجازی
۹۱	فصل سوم: هستی‌شناسی فضای مجازی: عناصر و مؤلفه‌ها
۱۵۷	فصل چهارم: فلسفه فضای مجازی و بایسته‌های آن
۱۸۹	فصل پنجم: دوفضایی‌شدن‌ها به مثابه رویکردی ارزش‌گرا و بومی
۲۱۹	نتیجه‌گیری: پارادایم دوفضایی‌شدن‌ها مبنای معرفتی نظام فضای مجازی
۲۲۵	واژه‌نامه
۲۳۳	کتابنامه
۲۵۱	نمایه

فهرست تفصیلی مطالب

۱۱	فهرست شکل‌ها
۱۳	فهرست جدول‌ها
۱۵	قدردانی
۱۷	مقدمه: فضای مجازی از دیدگاه هستی‌شناسی، فلسفی و معرفت‌شناختی
۱۸	هستی‌شناسی فضای مجازی
۲۱	فلسفه فضای مجازی
۲۵	معرفت‌شناسی فضای مجازی
۲۹	فصل اول: نگاهی بنیادی به مبانی فلسفی فناوری فضای مجازی
۳۰	مفهوم‌شناسی فناوری و فلسفه فناوری
۳۴	رویکرد مکاتب فلسفی به فناوری
۳۵	فلسفه قاره‌های فناوری
۳۶	رویکرد پدیدارشناسانه به فناوری در فلسفه قاره‌ای
۴۰	رویکرد هرمنوتیک به فناوری در فلسفه قاره‌ای
۴۱	رویکرد ساخت‌گرایانه به فناوری در فلسفه قاره‌ای
۴۲	فلسفه تحلیلی فناوری
۴۷	گونه‌شناسی رویکردهای نظری به فناوری
۴۸	رویکردهای ابزارگرایانه به فناوری
۴۹	رویکردهای جبرگرایانه به فناوری
۵۰	رویکردهای قائم‌به‌ذات نسبت به فناوری

۵۱	رویکردهای انتقادی به فناوری
۵۶	رویکردهای ساخت‌گرایانه اجتماعی به فناوری
۵۶	جمع‌بندی
۶۱	فصل دوم: عناصر پایه‌ای فلسفه فضای مجازی
۶۲	فلسفه هوش مصنوعی
۶۳	مفهوم‌شناسی هوش مصنوعی و روند توسعه آن
۶۷	ورود هوش مصنوعی به مباحث فلسفی
۶۸	فلسفه هوش مصنوعی و مباحث آن
۷۲	فلسفه رایانش
۷۴	فلسفه اطلاعات
۷۶	مفهوم‌شناسی فلسفه اطلاعات
۸۱	رویکرد تحلیلی فلسفه اطلاعات
۸۶	فلسفه رایانه
۸۸	جمع‌بندی
۹۱	فصل سوم: هستی‌شناسی فضای مجازی: عناصر و مؤلفه‌ها
۹۱	چیستی هستی‌شناسی فضای مجازی
۹۴	هستی‌شناسی فضای مجازی: خصوصیات ذاتی و ماهیتی
۱۰۷	رویکردهای مفهومی بخشی‌نگر به فضای مجازی
۱۱۱	واقع و مجاز: هستی‌شناسی مجازی‌گرایی، مجازی‌گری و مجازی‌سازی
۱۲۶	مشخصه‌های ذاتی فضای مجازی
۱۲۷	خصوصیات ذاتی فضای مجازی در سطح کلان‌نگر
۱۳۸	خصوصیات ذاتی فضای مجازی در سطح خردنگر
۱۵۵	جمع‌بندی
۱۵۷	فصل چهارم: فلسفه فضای مجازی و بایسته‌های آن
۱۵۹	فلسفه و منطق فضای مجازی
۱۶۵	فلسفه مطلوب فضای مجازی: بایسته‌های فضای مجازی - فلسفه فضای مجازی چه باید باشد؟
۱۶۵	الف. بایسته‌های زیرساختی مطلوب فضای مجازی
۱۷۶	ب. بایسته‌های نهادی و ظرفیتی فضای مجازی
۱۸۳	ج. بایسته‌های فرآیندی و محتوایی فضای مجازی
۱۸۶	جمع‌بندی
۱۸۹	فصل پنجم: دوفضایی‌شدن‌ها به مثابه رویکردی ارزش‌گرا و بومی
۱۹۹	دوگانه عینی - ذهنی: معرفت، انگیزه‌ها و عمل انسان
۲۰۲	دوگانه نمایی - بازنمایی: نمایش و ظهور

۲۱۰	 دوگانه واقعی - مجازی: طرف عمل
۲۱۹	 نتیجه گیری: پارادایم دوفضایی شدن ها مبنای معرفتی نظام فضای مجازی
۲۲۵	 واژه نامه
۲۳۳	 کتاب نامه
۲۵۱	 نمایه

www.ketab.ir

مقدمه:

فضای مجازی از دیدگاه هستی‌شناختی، فلسفی و معرفت‌شناختی

فضای مجازی پدیده فراگیر امروزی جامه‌پوش است که با سرعت و شدتی فزاینده در حال درگیر ساختن همه ساحات زندگی بشر در تمامی ابعاد و لایه‌هاست. چنین پدیده‌ای از عناصر و ابعاد و لایه‌ها و وجوه گوناگونی تشکیل شده است که پیچیدگی‌ها و درهم‌تنیدگی‌های متعدد و متنوعی را رقم می‌زند.

پیرامون فضای مجازی، علوم و دانش‌های متعدد و متنوعی تشکیل شده که به واسطه طبیعت پیچیده و متنوع آن در حوزه‌های مختلف علمی و دانشی قابل ردیابی است. درواقع فضای مجازی پدیده‌ای مرکزی است که علوم و دانش‌های مجازی پیرامون آن شکل و قوام می‌گیرند و تنوع و تکرار این علوم و دانش‌ها به دلیل تکرار و تنوع خود فضای مجازی و پیچیدگی‌های ابعاد و لایه‌های مختلف آن است.

از سوی دیگر نگاه فلسفی به صورت کلی به فضای مجازی در سطحی کلان‌تر قرار می‌گیرد و دیدگاه فلسفی نگاهی از بالا به پدیده دارد. در دیدگاه کلان فلسفی سه سطح را می‌توان از هم تفکیک کرد: ۱. رویکرد هستی‌شناختی؛ ۲. رویکرد فلسفی؛ و ۳. رویکرد معرفت‌شناختی.

رویکرد هستی‌شناختی در سطح نخست قرار می‌گیرد که به چیستی و ذات پدیده‌ها و جایگاه آنها در مجموعه هستی پدیده فضای مجازی توجه می‌کند. در چنین رویکردی عناصر و اجزاء متشکل پدیده مجازی مورد توجه قرار می‌گیرد که این اجزاء و عناصر خود بسیار متنوع و گوناگون و متکثر هستند.



شکل ۱: پیرامون نام مجازی و علوم و دانش‌های فضای مجازی
با هستی‌شناسی، فلسفه و معرفت‌شناسی فضای مجازی

رویکرد فلسفی به فضای مجازی، نگاه ناظر بر فهم منطق و چرایی وجود و هستی فضای مجازی است. در رویکرد معرفت‌شناسی فضای مجازی نیز به فهم علوم و دانش‌های فضای مجازی پرداخته می‌شود و درواقع نگاه دوم به فضای مجازی و دانش و مطالعات مرتبط با فضای مجازی وجود دارد. هر طور که پیشتر نیز گفته شد، علوم و دانش‌های فضای مجازی از آنجا که به مطالعه پدیده‌های جدیدی و متکثر و متنوع می‌پردازند، در حوزه علمی و دانشی مختلف قرار دارند که این امر معرفت‌شناسی این پدیده را نیز پیچیده می‌سازد.

هستی‌شناسی فضای مجازی

اصطلاح هستی‌شناسی یا آنتولوژی، واژه‌ای یونانی و مرکب از دو واژه انتو^۱ به معنای هستی و لوجیا^۲ در معنای شناخت و مطالعه است و درمجموع به معنای هستی‌شناسی تعریف می‌شود. درواقع یونانیان باستان با هستی‌شناسی به دنبال شناخت جهان بودند

1. Onto
2. Logia

(گویزاردی^۱، ۲۰۰۶). هستی‌شناسی زیرمجموعه فلسفه بوده و به مطالعه ذات وجود می‌پردازد و همواره در چارچوب نظری بزرگ‌تری مانند خردگرایی^۲ قرار دارد. برای مثال در دوره مدرنیستی مردم بر این باور بودند که یک واقعیت مشخص و عمومی خارج و مستقل از ساخت‌های انسانی است (کروژه^۳، ۲۰۱۰: ۱). اما هستی‌شناسی متفاوت از معرفت‌شناسی بوده و درحالی‌که هستی‌شناسی متمرکز بر این موضوع است که چه چیزی برای شناخته شدن وجود دارد و درواقع مطالعه وجود است، معرفت‌شناسی نظریه‌ای در مورد شناخت و دانش است. در فرهنگ وبستر، تعریف هستی‌شناسی عبارتند از (گویزاردی، ۲۰۰۶):

«شاخه‌ای از فیزیک در ارتباط با سرشت و روابط وجود؛

نظریه خاصی در مورد سرشت وجود یا انواع هستی‌ها؛

نظریه‌ای در ارتباط با انواع موجودیت‌ها و به‌ویژه انواع موجودیت‌های انتزاعی که در یک سیستم زبانی پذیرفته شده است».

اُتس^۴ (۲۰۰۶) هستی‌شناسی را به عنوان مجموعه‌ای از مفاهیم معنایی مربوط به یک حوزه مشخص تعریف می‌کند. درواقع هستی‌شناسی مفاهیم یک حوزه و روابطی که میان این مفاهیم وجود دارد را مطالعه می‌کند و در ارتباط با آن چه وجود دارد یا هست و یا «وجود آن‌گونه که هست»، بوده و با چند پرسش اصلی سروکار دارد: وجود چیست؟ چه اموری در عالم وجود دارند و اقسام آن کدام است؟ و احکام کلی و جزئی چیست؟ بر این اساس، هدف هستی‌شناسی، شناخت «هستی ناب و مطلق وجود» است (گویزاردی، ۱۳۸۴: ۱۳۸۴). میرکوشش و نوری‌صفا، (۱۳۹۲: ۹-۱۰) و بر بحث وجود و هستی واقعیت تأکید دارند.

هستی‌شناسی فضای مجازی به دنبال گسترش سریع ابزارهای مجازی و به تبع آن توجه قرار گرفته و به دنبال پاسخگویی به این مسائل است که فضای مجازی چیست؟ آیا فضای مجازی دارای بُعد است؟ آیا چیزهایی در فضای مجازی وجود دارد؟ آیا ابزارهای فضای مجازی یا خود فضای مجازی فرایندی یا شیئی است؟ و حالت وجودی ابزارهای فضای مجازی چیست؟ به عبارت دیگر، هستی‌شناسی فضای مجازی به دنبال بررسی وجود و اصل ذات فضای مجازی و مشخصه‌ها و ابزارهای این فضا و ارتباط میان این

1. Guizzardi
2. Rationalism
3. Kroeze
4. Oates

ابژه‌ها بوده و عهده‌دار شناخت اصل بودن و نبودن فضای مجازی و تفاوت‌های ذاتی فضای مجازی و فضای فیزیکی است.

کتاب حاضر به دنبال مطالعه هستی‌شناسی فضای مجازی و فلسفه آن است و می‌تواند در روشن شدن مبنای پارادایمی فهم و طراحی فضای مجازی و تدوین نقشه راه رسیدن به فضای مجازی مطلوب که «پارادایم دوفضایی شدن‌هاست»، مؤثر باشد و به نوعی به صورت پیوسته و یکپارچه دو فضای واقعی و مجازی را طراحی کند. از منظر «پارادایم دوفضایی شدن‌ها» (عاملی، ۱۳۸۲ الف، ب، ج؛ عاملی، ۱۳۸۳؛ عاملی، ۱۳۹۰؛ عاملی، ۲۰۰۴) فهم واقعیت‌های اجتماعی با پارادایم‌های تک‌جهانی امکان‌پذیر نیست. درواقع از نگاه این پارادایم، فهم جهان واقعی منهای درک جهان مجازی و بالعکس مطالعه جهان مجازی بدون توجه به متغیرهای جهان واقعی، مطالعه و نگاه را گرفتار یک نوع خطای فهم می‌کند (عاملی، ۱۳۹۰ الف). رویکرد دوفضایی شدن‌ها بیش از هر امری متمرکز بر تشریح منطق فضای مجازی و از آن طریق تعریف نظام‌مند ارتباط درونی و بیرونی دو فضای مجازی و واقعی است.

با توجه به چنین رویکرد دوفضایی در بخش هستی‌شناسی فضای مجازی، تمرکز بر این امر می‌شود که فضای مجازی چیست و از چه چیزهایی است و از چه حالت وجودی برخوردارند و تفاوت‌های ذاتی فضای مجازی و فضای فیزیکی چیست؟ در فلسفه فضای مجازی نیز منطق فهم ریاضی فضای مجازی و قاعده‌های آن مورد توجه است و از «فلسفه مطلوب» که بایسته‌های فضای مجازی است، صحبت می‌شود. اما باید توجه داشت که برای مطالعه فلسفه فضای مجازی و دستیابی به تصویری از آن، ضرورت دارد که ابتدا فلسفه فناوری مورد توجه قرار گیرد و رویکردهای آن مشخص شود. به علاوه ضروری است تا پیش از ورود به مباحث هستی‌شناسانه و فلسفه فضای مجازی، عناصر پایه فضای مجازی ازجمله هوش مصنوعی، محاسبات، علوم رایانه و اطلاعات و فلسفه آنها به عنوان پایه‌های فضای مجازی در روندی تاریخی بررسی شود.

فلسفه فضای مجازی

مفهوم «فلسفه» ریشه در کلمه یونانی فیلسوفیا^۱ دارد که مرکب از فیلو^۲ به معنای دوستداری و سوفیا^۳ در معنای دانش یا دانایی است و آغاز آن را می‌توان از دوران «پیش سقراطیان» دانست که در نزد آنها، فلسفه به عنوان «کوشش به منظور فهم طبیعت جهان» تعریف می‌شده (برنز، ۱۳۸۱: ۷) و «ادراک انسان، مقیاس حقیقت و واقعیت» بوده است (عبودیت، ۱۳۸۷: ۱۷). از آن زمان به بعد، مفهوم‌پردازی‌های متعددی از فلسفه که در ابتدا «حکمت» نامیده می‌شد، در مکاتب فکری مختلف و با زاویه نگاه متفاوت ارائه شده که می‌توان آنها را بر اساس سه رویکرد «سنت‌گرا، تجددگرا و پساتجددگرا» تقسیم کرد. در رویکرد سنت‌گرا به فلسفه این تصور وجود دارد که «برای شناخت کل هستی، عقل کافی نیست» و عقل تنها قادر به شناخت طبیعت است و بخش بزرگی از جهان را باید با «رجوع به سنت» شناخت. همچنین در این رویکرد «شناخت عین» در مرکز توجه قرار دارد. اما در فلسفه تجددگرا که با دکارت و بیکن آغاز شد، «خردسندگی عقل» مورد تأکید است که بر اساس آن، عقل برای شناخت جهان هستی قایم می‌کند و در نتیجه تأکید بر «ذهن» صورت گرفت. اما در پساتجددگرایی، بر «نقش فعال ذهن در علم و ادراک» تأکید می‌شود و به جای ذهن یا عین، «زبان» است که مورد توجه فیلسوفان قرار دارد (علیزاده، ۱۳۸۴: ۴۴-۴۵).

در فلسفه اسلامی نیز فارابی تأکید دارد که «فلسفه مادر علم است و با هر چه موجود است، سروکار دارد» و یا بهمنیار به تبعیت از ابن‌سینا، فلسفه را با «معانی موجودات» یکسان می‌داند و هدف دانش‌های فلسفی را «شناخت موجودات» در نظر می‌گیرد. فارابی در آغاز کتاب «اسفار» می‌نویسد که «فلسفه کمال روح است در حد توان بشری از طریق شناخت ذاتی، آن‌گونه که فی‌ذاتها هستند و از طریق تصدیق به وجود آنها به گونه‌ای که بر برهان استوار باشد، نه مأخوذ از ظن و یا از راه تقلید». درحقیقت در فلسفه اسلامی، فلسفه در ارتباط با «کشف حقیقت مربوط به سرشت اشیاء است و شناخت ذهنی با تصفیه و تکامل وجود شخص پیوند دارد» (سعیدی‌مهر، ۱۳۸۳). به عبارت دیگر، فلسفه به دنبال آگاهی از چیستی و چرایی بر اساس شیوه تفکر منطقی بوده و می‌خواهد حقایق و منطق و زبان آن و به عبارتی، قوانین کلی آن را دریابد.

1. Philosophia
2. philo
3. Sophia

فلسفه در معنای عام آن، عهده‌دار پاسخگویی به سؤالات بزرگی در مورد چیستی و چرایی - های پدیده‌های مورد مطالعه است. پدیده‌های نوظهور نیز موضوع مطالعات فلسفی خصوصاً در فلسفه تحلیلی قرار می‌گیرند. فناوری به‌طور عام و فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌طور خاص و فضای مجازی به عنوان فضای کاملاً صنعتی که محصول فناوری‌های گسترده و متنوع مرتبط با فضای مجازی است، هم به دلیل نوظهور بودن و هم به جهت تغییر مسیر بزرگی که در امور مرتبط با زندگی، سبک زندگی، علوم و دانش‌های متنوع و متفاوت، حیطه‌های فنی و حرفه‌ای و امور مرتبط با روندها و فرایندهای اداری ایجاد می‌کند، موضوع مهر فلسفی محسوب می‌شود. اساساً فضای مجازی به عنوان پدیده‌ای است که مسیر زندگی بشر را تغییر داده و به نوعی، جامعه را با همه لایه‌های فردی و اجتماعی و همه قابلیت‌های علمی، فنی و همه ظرفیت‌های صنعتی، کشاورزی و خدمات و همچنین همه بخش‌های فرمالی، سیاسی و اقتصادی، «دو فضای» ساخته است و این تغییر یک تغییر پارادایمی محسوب می‌شود که با آن فهم علمی و زبان حکمرانی، مدیریت و عمل اجتماعی جدیدی را ایجاد کرده است. وقتی به پدیده‌های مرتبط با یک پدیده جدید گسترده شده و دامنه گستردگی آن شامل همه اراده، اشیاء، اطلاعات و فرایندها (اینترنت همه چیزها) می‌شود، نیازمند فلسفه یا فلسفه‌هایی هستیم که درک پدیدارشناسی و تصویر ساده شده‌ای از چگونگی مبتنی بر نگرش‌های ارزش بایسته این فناوری را برپا می‌کند و ما را با فلسفه مطلوب فضای مجازی نزدیک کند. در این جا، رسالت فلسفه از درک دقیق قوانین حاکم بر فضای مجازی هم به لحاظ ذاتیات این محیط و هم به لحاظ عملکرد، خدمات و محتوای موجود در فضای مجازی است و از سوی دیگر، نیازمند نگرش الهی و ارزش به این محیط گسترده و پویا برای چگونه بودن و اقتضائاتی که محیط مجازی را زمینه‌ساز «زندگی مبتنی بر حقایق الهی» که در تعالیم قرآنی و سیره نبوی و ائمه معصومین منعکس شده است، قرار دهد. در پایه نگاه فلسفی، باید دید مفهوم فضای مجازی چیست و با چه رویکرد مفهومی به این فضا می‌خواهیم به سراغ فلسفه فضای مجازی برویم.

فضای مجازی از یک ظرفیت «فرامحلی شدن همزمان»^۱ که با مورس آغاز شد، بهره گرفت. سپس امکان ارتباطات شبکه‌ای فراهم شد و از مسیر ارتباطات شبکه‌ای، «فضای

واحد^۱ به اشتراک گذاشته برای همگان، در ظرفیت جهانی تأمین شد. در کنار این سلسله فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، تبدیل سیگنال‌های آنالوگ^۲ به سیگنال‌های دیجیتال^۳، محیط منعطف عددی شده‌ای^۴ را به وجود آورد که «تغییر فیزیکی و شیئی را به انعطاف تغییر اعداد» تبدیل کرد. با این رویکرد فضای مجازی به لحاظ ذات و ظرفیت، «جهانی است مجازی، که دارای محیط واحد^۵، عددی شده، جهانی، غیر مرکزی^۶، تعاملی^۷ و به هم پیوسته‌ای است که دارای ماهیت محیطی، زمان، کار و انرژی متمایز از ماهیت جهان فیزیکی است. فضای مجازی را به لحاظ محتوا و عملکرد باید ادامه جهان اول با همه ظرفیت‌های علمی، حرام، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و همچنین دارای ظرفیت‌های متناظری در حوزه زیرساخت‌های فناوری و به ادم خدمات و برنامه‌های دولتی، عمومی و خصوصی و همچنین محتوای شبیه‌سازی شده با همان واقعیت تعریف نمود.

با این نگاه، فلسفه فضای مجازی، فلسفه فضایی است که از ظرفیت ریاضی شده متمایل به بی‌نهایت برخوردار است و همه شبکه علمی، حرفه‌ای و امور مرتبط با فرهنگ، اقتصاد و سیاست زندگی را در خود جمع کرده است. چنین فلسفه‌ای، نیازمند فهم چندمرتبیه‌ای است که نگاه به ظرفیت‌های ذاتی این محیط داشته باشد و همه گستره دامنه محتوایی و عملکردی محیط را درک کند.

فلسفه فضای مجازی و تأملات فلسفی آن، حوزه‌ای نسبتاً جدید در مطالعات فلسفی است که هر چند تنها دو یا درنهایت، سه دهه از عمر آن می‌گذرد، مشاهده می‌شود که به دلیل پیشرفت روزافزون فناوری‌های جدید آن با سرعتی بالا و دامنه گسترده فزاینده و همچنین پیچیده شدن این فناوری‌ها با تمامی ابعاد حیات اجتماعی معاصر و در نتیجه، امکان‌پذیری تجارب بی‌سابقه و ظهور مسائل مفهومی خاص این فضا، توجه زیادی به آن شده است، به طوری که می‌توان گفت که فلسفه فضای مجازی توانسته است در تاریخ حیات کوتاه خود، جایگاه تثبیت شده‌ای را در فضای آکادمیک به دست آورد. در واقع ظهور فضای مجازی، فلاسفه را در معرض موضوعات و مسائل جدیدی قرار داده و بر چگونگی اندیشیدن آنها در

-
1. Analog Signal
 2. Digital Signal
 3. Numerical
 4. Singel Space
 5. Dispursal
 6. Interactivity

مورد این مسائل اثرگذار بوده و حتی بازاندیشی و بازنگری در مفهوم‌سازی دیدگاه‌ها و حتی واژگان را به دنبال داشته است. این اثرگذاری تا اندازه‌ای بوده است که برخی معتقدند که فلسفه دچار «گشت رایانش»^۱ شده و این امر اشاره به شیوه‌هایی دارد که فضای مجازی، «وجوه جدیدی را وارد موضوعات سنتی فلسفی کرده، ابزارها و مفاهیم نوینی برای استدلال فلسفی فراهم آورده و پرسش‌های نظری و عملی را ارائه کرده است که نمی‌تواند به آسانی با چارچوب‌های فلسفی سنتی مورد توجه قرار بگیرد» (بری و سوراگر،^۲ ۲۰۰۹: ۱۳۴۱). از سوی دیگر دیدگاه‌های فلسفی، به‌ویژه فلسفه فناوری نیز در جهت‌دهی این فضا مؤثر بوده است. این ترتیب، فضای مجازی و فلسفه تأثیر عمیقی بر یکدیگر گذاشته‌اند و در پیوند با یکدیگر، حوزه مطالعات جدیدی به عنوان فلسفه فضای مجازی را به میان آورده‌اند و مقتضیات جهان حاضر بر تلافی بودن و سودمند بودن رشته فلسفه فضای مجازی اذعان دارد. لازم به ذکر است که در این کتاب، اصطلاح «فلسفه فضای مجازی» و نه «فلسفه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی» به کار برده می‌شود، زیرا اصطلاح فضای مجازی، اصطلاحی عمومی است که برای نشان دادن تمامی فناوری‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مرتبط با محیط مجازی و همگرایی آنها استفاده می‌شود که ناظر بر سطح اطلاعات، تراکنش‌ها، خدمات، ابعاد تعاملی و شبیه‌سازی از یک سو و از سوی دیگر، همه دانش‌ها و حرفه‌های مبتنی بر فضای وب است که به عنوان مثال پزشکی، دورسنجی، زیست‌شناسی، حرفه‌های دانش‌بنیان بسیاری مثل بانکداری، روزنامه‌نگاری، راه‌بری، بازرگانی و بسیاری دیگر از حرف و صنایع را به خود پیوند زده و لذا مفهومی فراگیر از تمامی‌های اطلاعات و ارتباطات است و فاوا نمی‌تواند مفهومی جامع برای جهانی که با ظرفیتش با مراتب گسترده‌تر از جهان واقعی در حال شدن و تحقق است، باشد. درواقع، با عبور از مفهوم فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان مفهومی متناظر با بُعد صرفاً اطلاعات و ارتباطات فضای مجازی، تأکید بیشتر بر جنبه‌های محتوایی و عملکردی فضای مجازی و روح حاکم بر این فضا و یکپارچه دیدن جنبه‌های متکثر محتوایی آن شده است.

بر این اساس، فلسفه فضای مجازی را می‌توان رویکردی فلسفی به موضوعات مختص فضای مجازی دانست که از یک سو به دنبال ماهیت فضای مجازی و چرایی و چیستی و

شناخت منطق فضای مجازی است و از سوی دیگر به این امر می‌پردازد که فلسفه وجودی محیط فضای مجازی چیست؟ و چه باید باشد؟ درحقیقت فلسفه فضای مجازی به دنبال تبیین چرایی و منطق فهم فضای مجازی و یافتن منطق ریاضی و تحلیل درک فضای مجازی است و بر این اساس است که «فلسفه مطلوب» مطرح می‌شود که در معنای بایسته‌های فضای مجازی است و از جامعیت و حداکثر تبیین‌گری برخوردار است.

معرفت‌شناسی فضای مجازی

علاوه بر فلسفه فضای مجازی، معرفت‌شناسی فضای مجازی نیز مطرح است که البته در این کتاب به آن پرداخته نمی‌شود و خود، حوزه گسترده‌ای است که نیازمند مطالعات میان-رشته‌ای مستقل است. در این بخش تنها برای مشخص کردن حوزه آن و تمایز آن از هستی‌شناسی به تعریف سه‌گانه و جزئی مطالعاتی آن پرداخته می‌شود. در زبان فارسی، تا دو دهه قبل، اپیستمولوژی به عنوان شناخت‌شناسی معمول بود، اما امروزه معرفت‌شناسی عمومیت یافته است. واژه معرفت‌شناسی، اپیستمولوژی ریشه یونانی دارد و مرکب از اپیستمه^۱ به معنای «معرفت» و لوگوس^۲ به معنای «طریقه، تبیین یا مبنای عقلانی» بوده و در مجموع، به معنای «نظریه معرفت» است (الهی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲۷؛ شمس، ۱۳۸۴: ۲۸). معرفت و معرفت‌شناسی قدمتی به اندازه تاریخ فلسفه دارد، اما در فلسفه غرب و فلسفه اسلام، دوره‌بندی‌های متفاوتی برای آن وجود دارد. در غرب، معرفت‌شناسی ده دوره کاملاً متفاوت داشته است و مشاهده می‌شود که فلسفه در یونان باستان و قرون وسطی، «بیشتر هستی‌شناسی و شناخت حقایق هستی بوده» و پس از رنسانس است که معرفت‌شناسی اهمیت پیدا می‌کند و در آثار جان لاک و پس از آن، هیوم و کانت مورد توجه قرار می‌گیرد (معلمی، ۱۳۹۰: ۲۰). همچنین برای نخستین بار رودریک چیزم در «نظریه معرفت» به «صورت‌بندی بسیاری از ضابطه‌های معرفت‌شناسی» پرداخته است (شمس، ۱۳۸۴: ۲۸). در فلسفه اسلامی نیز تا پیش از علامه طباطبائی، معرفت‌شناسی به‌طور ضمنی مورد بحث فلسفه اسلامی بود، اما علامه طباطبائی به برجسته کردن مباحث معرفت‌شناسی پرداخت و پس از ایشان، شهید مطهری و شهید صدر کار وی را ادامه دادند (معلمی، ۱۳۹۰: ۲۰).

1. episteme

2. logos

در ارتباط با مفهوم‌شناسی معرفت و معرفت‌شناسی، تعاریف متعددی از مفهوم معرفت وجود دارد و در معنای لغوی به عنوان «مطلق علم و آگاهی» تعریف شده است. همچنین گاهی این مفهوم، به «ادراکات جزئی» اختصاص داده می‌شود و زمانی به معنای «بازشناسی» به کار می‌رود، چنان که گاهی هم به معنای «علم مطابق با واقع» استعمال می‌شود. همچنین شناخت به معنای «آگاهی به واقعیت یا راه پیدا کردن به واقعیت» است (راهبر و بیننده، ۱۳۹۱: ۷۷؛ الهی‌زاد، ۱۳۹۳: ۲۶). در تعریف مفهومی از معرفت‌شناسی نیز می‌توان گفت که «معرفت‌شناسی علمی است که درباره شناخت‌های انسان، ارزشیابی انواع آن و تعیین ملاک صحت و خطای آن بحث می‌کند» (راهبر و بیننده، ۱۳۹۱: ۷۷). به عبارت دیگر، معرفت-شناسی، «به تحقیق بندوکاو پیرامون مباحثی مثل ماهیت یا چیستی معرفت، حدود و قلمروی معرفت و منابع معرفت می‌پردازد» (عباسیان چالستری، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

درحقیقت، معرفت‌شناسی را می‌توان مطالعه یک معرفت دانست که درباره ماهیت شناخت و ارزش و همچنین حدود و ابزار شناخت بحث می‌کند و زمینه فلسفی است که از شناخت‌های انسان و ارزشیابی آنها و تعیین ملاک صحت و خطای آنها می‌گوید. همچنین به بررسی پیش‌فرض‌ها و مبانی معرفت می‌پردازد و اعتمادپذیری ادعاهای معرفتی را می‌سنجد. بر این اساس، اگر مجموعه مطالعات خضام مجازی را به عنوان یک معرفت تلقی کنیم، معرفت‌شناسی فضای مجازی عهده‌دار شناخت عبادی و سیستم معرفتی و نظام دانش فضای مجازی، تاریخچه تحولات این معرفت، محدوده این فضای مجازی و تفاوت آن با دانش‌های مرتبط و ارتباط آنها با یکدیگر، نظریات و روش‌های تحقیق در حوزه این دانش، چگونگی شکل‌گیری دانش در این حوزه مطالعاتی و ابزارها و شیوه‌های ارزیابی فضای مجازی است.

بر این اساس فضای مجازی به مثابه یک پدیده متکثر و متنوع و دارای ابعاد و وجوه متعدد، مجموعه‌ای از دانش‌ها و علوم را در پیرامون خود شکل می‌دهد. این علوم و دانش‌ها گستره وسیعی را در حوزه مختلف علمی دربر می‌گیرند؛ از علوم مهندسی رایانه و مخابرات تا برنامه‌نویسی و غیره تا هر دانشی که در هر حوزه‌ای به مطالعه ابعادی از پدیده گسترده فضای مجازی می‌پردازد. خواه در حوزه رفتارشناسی کاربران و خواه در حوزه تبلیغات تجاری و بازاریابی، همگی دانش‌ها و علوم پیرامونی فضای مجازی هستند. معرفت‌شناسی فضای مجازی نیز از آنجا که علمی در رده دوم محسوب می‌شود، یعنی شناخت و علمی است که

خود یک علم را مورد مطالعه قرار می‌دهد و در اینجا بر علوم و دانش‌های مرتبط با فضای مجازی متمرکز می‌شود، از این رو سیر تطور دانش درباره فضای مجازی، روش‌های دستیابی به علم و تحقیق درباره فضای مجازی، نظریه‌های مرتبط با فضای مجازی و مدل‌های فهم فضای مجازی را مورد توجه قرار می‌دهد.



بر این مینا کتاب حاضر در پنج فصل تنظیم شده است. در فصل نخست با عنوان «نگاهی بنیادی به بانی فلسفی فناوری فضای مجازی»، مباحثی چون مفهوم‌شناسی فناوری و فلسفه فناوری و موضوعات مرتبط با آن، مکاتب فلسفی در فلسفه فناوری اعم از فلسفه تحلیلی فناوری و فلسفه تیره‌های فناوری و همچنین رویکردهای نظری مربوط به فناوری شامل نظریات ابزارگرایی، نظریات ساز به ذات، جبرگرایی فناوری، نظریات انتقادی به فناوری و ساخت‌گرایی اجتماعی فناوری، مطالعه می‌شود.

در فصل دوم با عنوان «عناوین پایانی فلسفه فضای مجازی: فلسفه هوش مصنوعی، فلسفه رایانش، فلسفه اطلاعات و فلسفه رایانه» همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید، به فلسفه هوش مصنوعی، فلسفه رایانش، فلسفه اطلاعات و فلسفه رایانه پرداخته می‌شود.

در فصل سوم با عنوان «هستی‌شناسی فضای مجازی: عناصر و مؤلفه‌ها»، مفهوم فضای سایر و دیگر مفاهیمی که به نوعی اجزاء ماهیتی و هستی‌شناختی فضای مجازی محسوب می‌شوند، مورد توجه قرار می‌گیرد و همین‌طور هستی‌شناسی واقعیت مجازی و موجودیت‌های فضای مجازی و مشخصه‌های ذاتی این فضا در دو سطح کلان‌نگر و خردنگر بیان می‌شود.

فصل چهارم با عنوان «فلسفه فضای مجازی و بایسته‌های آن» نیز به موضوع فلسفه فضای مجازی و بایسته‌های این فضا اختصاص دارد و در نهایت در فصل پنجم، فضایی‌شدن‌ها را در بستر ارزشی و بومی مورد توجه قرار می‌دهد و در بخش نتیجه‌گیری نیز جمع‌بندی از مباحث مربوطه انجام می‌شود.